

**حدیث روز:**  
امام حسن(ع)؛ در طلب روزی مانند کسی که پرای پیروزی پیکار می‌کند، م‌کوش و به تقدیر نیز چندان تکیه م‌کن که مانند شخص تسلیم‌شده، هیچ تلاشی نک‌نی.

**پلک احساس:**  
غبارهاست درون تو از حجاب منی همی برون نشود آن غبار از يك بار

**اوقات شرعی:**  
اذان ظهر: ۱۲/۱۷  
اذان مغرب: ۱۷/۴۴  
اذان صبح (فردا): ۵/۴۲  
غروب آفتاب: ۱۷/۲۵  
نیمه شب شرعی: ۲۳/۳۳  
طلوع خورشید(فردا): ۷/۰۸

**خودنویس**

**تهمینه‌ای**  
**بام‌وی‌ام زغالی‌رنگ**



حامد عسکری

شاعر و نویسنده

👈 تاکسی بیسیم چابهار اشغال بود. سه ساعت به پروازم مانده بود که یک ساعتش خرج راه فرودگاه می‌شد. از محل اسکانم زدم بیرون و گفتم سر راهی ماشین می‌گیرم و می‌روم. از کم‌ترای کوجه به خیابان که رسیدم جلوی پایم ترمز کرد. بوق زد. گردن کشیدم. عاقله زنی بود. فکر کردم آدرس می‌خواهد. نزدیک‌تر که رفتم سوزن دوزی‌های سر آستین لباس زیبای بلوچی‌اش را دیدم. گفتم نمی‌شود یک بلوچ از یک غیرومی آدرس بپرسد؟ به صدارشش که رسیدم گفـت: کجا می‌ری؟ گفتم: کار می‌کنید؟ گفـت کجا می‌ری؟ گفتم فرودگاه! گفـت: شصت تومان. برای پنجاه کیلومتر راه مناسب بود. آمدنی هم همین قیمت را گرفته بودند. نشستم توی ماشین.

در عقب را باز کردم کوله‌ام را ب‌گذاړم گفـت جلو بشیـم. می‌خواستم به غرور زنانه‌اش برنخورم. گفتم چشم. نشستم جلو. یک ماشین ام وی ام بود با پاکیزگی زنانه‌ای که در ماشین‌های سیستم کمتر دیده بودم. جلوی کنسول ماشین صفحه نمایشگری بود و عکس جوانی در لباس بلوچی با جلیقه‌ای مشکی جایی محو را خیره شده بود. از آن نگاه‌ها که تو می‌فهمی صاحب عکس مرده و دیگر نفس نمی‌کشد. زن که دید خیره شده‌ام به عکس گفـت: پسرمه. سه ماه پیش کشتنش. این جور و شکم ده خیلی خالی می‌کنم. نمی‌فهم چه باید بگویم. از همین جمله‌های مزخرف معمولی که غم آخرتان باشد و اینها یا چیزیه که واقعاً به جانـش بنشیند. خودش فهمید. ادامه داد: شوهرم نظامی بود.

۴سالگی زنش شدم. ۲۴سالم بود. با سه تا بچه قد و نیم قد و یک شکم که همین عبدالرحمان بود رفت ماموریت و نعشش رو ته و انت آوردن. قاچاقچپای مواد مخدر کشتنش. ازدواج نکردم. با همین مسافركشی بزرگشون کردم. خوش پوش و خوش لباس بود. کار می‌کرد خرجشو در می‌آورد. زن داشت با پنج تا بچه. زنشم کار می‌کرد. یکی از دوستاش رفته بود خاش. زنگ زد بپاکارت دارم. رو حکم رفاقت باشد رفت. نگو رفیقش فروخته بودش به حرومی‌ها.

اومدن با اسلحه تو جایی که بودن و گفته بودن پاشو بریم افغانستان از طایفه ات پول بگیریم. می‌گفت عبدالرحمن یقه به یقه‌شون شد.

اسلحه از دست یکی شون گرفت و هوایی شلیک کرده بود که بترسه و برن. می‌گفت: جری‌تر شدن. کار کشید به شلیک مستقیم. عبدالرحمن دو تا شونو گشت و خودش کشته شد. حالا منم و این ماشین و خرجی پنج تا بچه عبدالرحمن و بچه‌های خودم. با این وضع بنزین.

مهری خانم که اول یادداشت یادم رفت اسمش را بیاورم حالا گریه می‌کرد. اما مغرور و باشکوه. طوری که نفهم. یک تکه کاکائو از جیب بغل کوله‌ام برداشتم و دادم کاشم را شیرین کند. نجیبانه گرفت.

بعد از توی در ماشین یک بطری آب معدنی برداشت و تلخی کاکائو و بغضش را با دوسه قلیپ آب پایین داد.

آفتاب خسته و خنوبن غروب می‌کرد و داشت گم می‌شد پشت تپه‌های زیتونی و خیس چابهار که رسیدیم فرودگاه. کرایه‌اش را دادم. خیالم این بود که سرو ته می‌کند برمی‌گردد به چابهار. دیدم خاموش کرد.

قفل فرمان زد. گفتم کجا برگردید شب تنها توی جاده خطرناکه‌ا گفت: تا برگردم نمازم خیلی عقب می‌افته. 🙏

■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیرمسئول: مهدی عرفاتی ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی 1509001:2008

ج‌ا‌م‌ای‌د‌ی‌ا‌ی‌ر

یکشنبه ۶ بهمن ۱۳۹۸ | ۳۰ جمادی الاول ۱۴۴۱ | ۲۰ صفحه | سال بیستم - شماره ۵۵۸۶ | استان تهران والبرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان | Sunday - 2020) January 26

■ شایه ۳۵۱۷۳۵-ISSN ۳۶۳۷۰  
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: [www.jamejamdaily.ir](http://www.jamejamdaily.ir)  
■ پست الکترونیکی: [info@jamejamdaily.ir](mailto:info@jamejamdaily.ir)

■ تهران: بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۱۹  
■ تلفن: ۰۲۱ - ۲۳۰۴۰۰۰ | دوزنگار تحریریه: ۲۲۲۷۶۵۲  
■ سازمان شهرستان‌ها: ۰۲۱ - ۴۵۸۹۷ | کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳  
■ امور مشترکین: ۰۲۱ - ۴۴۲۶۳۰ | سازمان آگهی‌ها: ۰۲۱ - ۴۹۱۰۵۰۰۰  
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ | روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۲۴  
■ چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام‌جم)

**پیش‌بینی آب و هوا دوشنبه**



**تهران**



**اهواز**



**ارومیه**



**اصفهان**



**بندرعباس**



**بجنورد**



**ساری**



**کرمان**



**اصفهان**



**اهواز**



**ارومیه**



**اصفهان**

**گفت‌وگو با دکتر هادی کیادلیری**  
**استاد دانشگاه در روز ملی جنگل**

# جنگل من کو؟

شوند، بسیار کم بوده وهست.

👈 **منافع ملی؛ کدام منافع؟**

این کارشناس محیط‌زیست درباره ملی‌بودن جنگل‌ها می‌گوید؛ طبق قانون مدیریت جنگل‌ها در دست دولت است، اما منافع‌ی که از این راه به دست می‌آید باید خرج ملت شود. اما مردم اگر از موضوع سردیروارند و برایشان دغدغه‌ای به نام ملی بودن جنگل‌ها به وجود آید، آن وقت است که قضیه دسوپیه می‌شود. وظایف دولت و مردم در قبال هم معتقد است وقتی کشوری همه درآمد و مخارجش را براساس نفت می‌بندد، پدیده‌ای مانند جنگل اهمیت خودش را از دست می‌دهد. هر چند جنگل اگر درست مدیریت شود، هم برای دولت سود بسیار دارد هم برای مردم و هم برای کشور و آیندگان.

👈 **بودن یا نبودن جنگل؛ مسأله این است**

روز ملی جنگل که امروز باشد اتفاقا امسال مصادف شده با یکی از روزهایی که آتش‌سوزی جنگل‌های استرالیا در صدر اخبار است و آن‌قدر این خبر یعنی سوختن جنگل‌ها و حیواناتش از جمله کوآلا و کانگورو در رسانه‌ها بازتاب پیدا کرده و در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شده که حالا دیگر بچه‌های ایرانی هم از وسعت تخریب این آتش و سوختن دست و پای کوآالا‌ها و مهربانی مردم با آنها با خبرند. اما واقعیت وقتی چهره تلخ خود را نشان می‌دهد که بیشتر مردم ایران حتی نمی‌دانند جنگل‌های ایران از شمال (هیرکانی) بگیر تا غرب (زاگرس) ملی هستند و در آستانه نابودی به‌خصوص جنگل‌های زاگرس که بیشتر درختانش بلوط است. وقتی جنگل از بین برود، اکوسیستم به هم می‌ریزد و حیواناتی که در این جنگل‌ها زندگی می‌کردند هم بی‌خانمان و در ادامه نابود می‌شوند.

کیادلیری نیز براین باور است که اطلاع‌رسانی درباره جنگل‌ها و آگاهی از این که این منابع زیستی باید حفظ



**باید معیشت و سطح درآمد مردم مطلوب باشد تا آنها به چشم درآمد به منابع زیستی نگاه نکنند**

## شکار بزرگ یوز پلنگ

یک عکاس حیات وحش تصویری قابل توجه از لحظه شکار یک آنتلوپ (شاخ دراز) توسط یوزپلنگ گرفته است.

به گزارش فرارو، جفری وو کانادایی که سرپرستی یک تور گردشگری در بازید از پارک ملی و ذخیره‌گاه ماسایی مارا در کنیا را بر عهده داشته است می‌گوید: این شکارچی پس از تعقیب و گریز در



مناطق به وجود آمده باشد. در چنین شرایطی مردم با حفظ منابع طبیعی و محیط‌زیست همراهی نمی‌کنند و راستش نباید توقع داشت جنگل و حفظ آن برایشان اهمیت داشته باشد.

👈 **یک بام و چند آسمان**

کیادلیری می‌گوید: در شمال کشور، مردم به چشم خود می‌بینند که وسط جنگل یکباره برجی بلند قامت ساخته می‌شود و در کنارش راه هم ساخته می‌شود. درختان قطع می‌شود تا تعدادی سودجو در وسط جنگل صاحب برج شوند. مگر می‌توان بدون مجوز چنین کاری کرد؟ این رفتارها مردم را نسبت به دولت و زانت‌بگیران و سودجویان بدبین می‌کند پس آنها هم دست به کار می‌شوند و در حد و اندازه خودشان تلاش می‌کنند از جنگل بهره ببرند و پولی به جیب بزنند! به مردم می‌گویم زباله‌های خود را در محیط‌زیست و در جنگل رها نکنید. نصیحت خوبی است، اما مردم به دل جنگل‌های هیرکانی که ثبت جهانی شده می‌روند و با چشم می‌بینند که دولت زباله‌های شهری را داخل جنگل‌ها رها می‌کند! خب با این چندگانگی چه باید کرد و چگونه باید آن را توجیه کرد؟ وقتی دولت که مدیریت محیط‌زیست را در دست دارد و باید از جنگل‌ها به روش درست محافظت کرده و به روش درست از آن بهره‌برداری کرده و سود آن را به مردم برساند خودش در مسیر تخریب جنگل حرکت می‌کند چگونه باید از مردم خواست، جنگل را به عنوان منابع ملی حفظ کنند؟

👈 **امان از مدیران ناکارآمد**

کیادلیری می‌گوید: اداره جنگلیانی یکی از زیرشاخه‌های کم‌اهمیت وزارت کشاورزی است. کشاورزی سنتی و بدون برنامه یکی از دلایل از بین رفتن محیط‌زیست است. در این شرایط باید توقع



## ساخت بیمارستان

## ۱۰۰۰تختخوابی در ۱۰روز

چین اعلام کرد برای درمان بیماران مبتلا به ویروس مرموز ذات‌الریه از خانواده کرونا، یک بیمارستان هزار تختخوابی را در عرض دهر روز در شهر ووهان منشا اصلی این ویروس می‌سازد.

به گزارش فرارو، شهر ووهان به دلیل افزایش شمار بیماران با کمبود تخت روبه‌رو شده و برای همین لازم است که چنین بیمارستانی به سرعت احداث شود. بیمارستان قرار است در مساحتی به متر اژ ۲۵ هزار متر مربع ساخته شود. طراحی بیمارستان که از سه روز پیش شروع شده بود، دیروز به پایان رسید. این بیمارستان مشابه بیمارستان شیایو تانگشان است که برای درمان بیماران مبتلا به سارس در یکن ساخته شد. به دنبال شیوع گسترده بیماری مرگبار سارس در چین در سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۳ میلادی که جان ده‌ها نفر را گرفت، یک بیمارستان برای مداوای مبتلایان در شهر یکن در مدت شش روز و هفت شب ساخته شد.

**امروز در تاریخ:**

👈 اجتماع بزرگ مردم تهران برای ملی شدن نفت ایران به دعوت آیتا... کاشانی (۱۳۲۹ش)  
👈 اعلام ملی شدن جنگل‌های ایران (۱۳۴۱ش)  
👈 تهاجم گروهک ضدانقلاب مسلح اتحادیه کمونیست‌ها به شهر هرازسنگر (آمل) (۱۳۶۱ش)  
👈 درگذشت آنا ماری شیمل، مستشرق و اسلام‌شناس آلمانی(۲۰۰۳م)

**حکمت ۶۰:**

👈 زبان تربیت نشده، درنده‌ای است که اگر رهایش کنی می‌گزد.



**داستان پندآموز**  
**باد کبر و غرور در تونل کم‌ارتفاع**

👈 مربیان مدرسه‌ای در یکی از شهرهای کوچک یکی از کشورهای همسایه برای بردن دانش‌آموزان به یک اردوی تفریحی-آموزشی، اتوبوسی را



امید مهدی نواز

طنزنویس

به‌طور دربست کرایه کردند و پس از سوار کردن دانش‌آموزان به‌طرف اردوگاه به راه افتادند. در نزدیکی اردوگاه، اتوبوس به تونلی رسید که رسیده به آن تابلویی مبنی بر «حداکثر ارتفاع سه متر» نصب شده بود. راننده اتوبوس که می‌دانست ارتفاع اتوبوس سه متر است با کمال اطمینان وارد تونل شد، اما در اواسط تونل پس از شنیدن صدای وحشتناک کشیده شدن سقف اتوبوس به سقف تونل، اتوبوس را متوقف کرد. راننده و مربیان از اتوبوس پیاده شدند و پس از بررسی اوضاع متوجه شدند تونل به‌تازگی سقف شده است و به‌خاطر اضافه شدن یک لایه آسفالت، کف تونل مقداری بالا آمده و همین موجب برخورد سقف اتوبوس با سقف تونل شده است. مربیان و راننده مشغول بحث و تبادل نظر درباره چگونگی بیرون آمدن از تونل شدند و راه‌حل‌هایی همچون کندن آسفالت و بکسل کردن اتوبوس را بررسی و رد کردند. در این هنگام یکی از دانش‌آموزان از اتوبوس پیاده شد و گفت: من راه‌حل مشکل را می‌دانم. مسئول اردو گفت: بچه برو بنشین سر جایبت. یکی از مربیان گفت: اجازه بدهید نظرش را بگوید. دانش‌آموز یادشده گفت: پدرم همواره می‌گوید اگر ما درون خود را از هوای نفس و باد کبر و غرور خالی کنیم، می‌توانیم در نزدیکی از هر مسیر تنگی عبور کنیم. مسئول اردو گفت: به پدرت سلام برسان و بگو ربط آن به اتوبوس چیست؟ دانش‌آموز یادشده گفت: اگر با همین دیدگاه به اتوبوس نگاه کنیم، می‌توانیم با کم کردن باد لاستیک‌های اتوبوس ارتفاع آن را کاهش دهیم و از این مسیر تنگ عبور کنیم. راننده اتوبوس از این پیشنهاد استقبال کرد و با کم‌کردن باد لاستیک اتوبوس، توانست اتوبوس را از تونل خارج کند. وقتی به محل اردوگاه رسیدند، مسئول اردو به دانش‌آموز یادشده گفت: تو با این استعداد و خلاقیت حیف است در این شهر کوچک بمانی. بهتر است به مرکز استان و از آنجا به پایتخت و از آنجا به خارج بروی و استعدادهای خود را به منصف ظهور برسانی. دانش‌آموز گفت: برعکس، می‌خواهم در همین شهر بمانم و استعداد و خلاقیت خود را همین‌جا به منصف ظهور برسانم. به این ترتیب دانش‌آموز یادشده در همان شهر ماند و استعداد و خلاقیت خود را همانجا به منصف ظهور رساند و هم‌اینک کارشناس دایره آسفالت اداره راه و شهرسازی آن شهرستان است. 🙏

## معرفی قوی‌ترین برند دنیا

شرکت فراری برای دومین سال متوالی قدرتمندترین برند جهان شد. به گزارش ایسنا، این خبر بدون شك برای بسیاری از سرمایه‌گذاران که به دنبال افزایش معاملات بورس و سرمایه در صنایع خودروسازی برتر جهان بوده‌اند، خبر خوب و خوشایندی محسوب می‌شود چراکه آنها قادر خواهند بود با خیالی آسوده‌تر از قبل، روی سهام این برند سرمایه‌گذاری کنند. براساس این گزارش که هر ساله از سوی نهاد شاخص قدرت برند (BSI) تهیه و منتشر می‌شود، صد برند در مجموع مورد بررسی قرار گرفته‌اند که در میان آنها تنها ۱۲ برند توانسته‌اند به رنکینگ و رتبه‌بندی‌های برتر تحت عنوان AAA، دست پیداکنند. شرکت فراری نخستین برند موجود در میان این ۱۲ شرکت برتر قرار گرفته است. فراری در سال ۲۰۱۹ میلادی نیز با کسب ۹۴/۸ امتیاز موفق شده بود قوی‌ترین و تاثیرگذارترین برند در جهان شود و از بسیاری دیگر از برندهای شاخص دیگر همچون مک دونالد، کوکاکولا، لگو و دیزنی نیز سبقت گرفته است.